

بررسی تطبیقی نحوه ابطال و اجرای احکام صادره از دادگاه های خارجی در نظام حقوقی ایران و انگلستان

(تاریخ دریافت ۱۴۰۵/۰۲/۱۲، تاریخ تصویب ۱۴۰۵/۰۳/۱۲)

مجید احمدی^۱

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، موسسه آموزش عالی فروردین قائمشهر، مازندران، ایران

چکیده

با توسعه روزافزون روابط بین‌المللی، اجرای آراء صادره از دادگاه‌های خارجی، به‌ویژه در حوزه خصوصی، به یکی از چالش‌های مهم در نظام‌های حقوقی تبدیل می‌شود. این پژوهش با بررسی خارجی تطبیقی، اصول، مبانی، شرایط و بررسی اجرای آراء در نظام حقوقی ایران و انگلستان است. در نظام حقوقی ایران، اجرای انتخاب خارجی منوط به احراز شرایط چون صلاحیت دادگاه خارجی، عدم مغایرت با نظم عمومی و اخلاق حسنه، قطعی بودن، عدم تعارض آن با احکام دادگاه‌های داخلی، و فقدان تقلب در روند رسیدگی است. در حقوق انگلستان، مهم‌ترین مقررات ناظر بر این موضوع در «قانون اجرای متقابل احکام خارجی» مصوب ۱۹۳۳ و نیز قوانین عرفی رایج در حقوق کامن‌لا دیده می‌شود که بر شروطی چون قطعی بودن عمومی، اصلاح قانون غیرقانونی است. در صورت نبود معاهده، انگلستان بر اساس حقوق عرفی و سوابق قضایی، درباره صلاحیت دادگاه خارجی و وجود تقلب یا مغایرت با عدالت تصمیم‌گیری می‌کند. بنابراین، هر دو نظام به اصول مشابهی چون نظم عمومی، قطعی بودن، رای دادن و تقلب در دادرسی توجه دارند، اما انگلستان از روشن‌تر، منسجم‌تر و مبتنی بر رویه‌های مشخص‌تر است. همچنین اجرای آرای کیفری، آرائی که موضوع آن اموال غیرمنقول در ایران است، یا احکامی که معاهدات بین‌المللی باشند، پذیرفته نمی‌شوند. در حقوق انگلستان نیز مانند قطعی و مالی بودن رای دادن، صلاحیت دادگاه خارجی بر تصمیم،

^۱ Mahaban.ma@gmail.com



توافق یا مالکیت، عدم تعارض با نظم عمومی و اصول عدالت طبیعی، و همچنین رفتار متقابل میان کشور شرط تعیین شده است. در هر دو، رأی بر پایه تقلب صادر شده باشد، یا با احکام قطعی داخلی معارضت داشته باشد، قابلیت اجرا داشته باشد. این تحقیق با تحلیل تطبیقی دو نظام مذکور، به شناسایی وجوه اشتراک و افتراق در نحوه پذیرش و آراء خارجی پرداخته و بر اجرای قوانین هماهنگی‌های حقوقی در حوزه بین‌المللی داخلی می‌کند.

واژگان کلیدی: اجرای آراء خارجی، حقوق ایران، حقوق انگلستان، نظم عمومی، ابطال

مقدمه

با گسترش روابط حقوقی و اقتصادی میان کشورها، دادگاه‌های داخلی ناگزیرند با احکامی مواجه شوند که از محاکم خارجی صادر شده‌اند. اجرای یا ابطال چنین احکامی با چالش‌هایی در اصول حاکمیت ملی، نظم عمومی و اصل عمل متقابل مواجه است. در ایران، قانون آیین دادرسی مدنی تنها در شرایط خاص اجازه اجرای حکم خارجی را می‌دهد و پذیرش حکم خارجی به شدت تابع مقررات داخلی و اصل عمل متقابل است. در مقابل، در انگلستان، این امر تابع اصول کامن‌لا، معاهدات بین‌المللی (به ویژه معاهدات اتحادیه اروپا که پیش از برگزیت حاکم بود و پس از آن برخی قوانین داخلی جایگزین شده‌اند) و رویه‌های قضایی مستقر است که بر اساس مفهوم "احترام متقابل" بنا شده است. این پژوهش قصد دارد معیارهای هر دو نظام را برای شناسایی، اجرای یا ابطال چنین احکامی مقایسه کند و کفایت آنها را در تحقق عدالت و همکاری قضایی بررسی نماید. اهمیت این تحقیق در چند جنبه کلیدی قابل بررسی است: ارتقای رویکرد قضایی ایران در زمینه همکاری‌های بین‌المللی؛ شناسایی نقاط ضعف در قوانین فعلی ایران و ارائه راه کارهایی برای تسهیل اجرای احکام مشروع خارجی که می‌تواند به نفع شهروندان و شرکت‌های ایرانی در خارج باشد. و به لحاظ بررسی امکان هماهنگی با



نظام های پیشرفته در اجرای احکام خارجی، مقایسه با رویه های انگلستان (به عنوان یکی از مراکز اصلی حقوق بین الملل خصوصی در جهان) می تواند الگویی برای مدرن سازی چارچوب قانونی ایران فراهم آورد. افزون بر این، کمک به اصلاح قانون آیین دادرسی مدنی در زمینه احکام خارجی با ارائه تحلیل های دقیق می تواند مبنایی برای اصلاحات قانونی در راستای تقویت اعتماد متقابل قضایی باشد. در نهایت، این پژوهش به بررسی تطبیقی سازوکارهای ابطال و اجرای احکام صادر شده از دادگاههای خارجی در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان می پردازد. هدف اصلی، مقایسه مبانی نظری، شرایط شکلی و ماهوی پذیرش، و دلایل رد یا ابطال این احکام در دو سیستم حقوقی مبتنی بر فقه اسالمی (ایران) و کامن لا (انگلستان) است. با توجه به افزایش تعاملات بین المللی، درک تفاوتها در رویه های قضایی برای تسهیل حقوقی و حفظ حاکمیت ملی ضروری است. مساله اصلی نوشتار حاضر این است که چه تفاوت ها و شباهت هایی میان نظام حقوقی ایران و انگلستان در زمینه ابطال و اجرای احکام صادره از دادگاه های خارجی وجود دارد؟ مفروض تحقیق این است که به نظر می رسد هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان در پذیرش احکام خارجی بر اصل صلاحیت دادگاه صادرکننده، نهایی بودن حکم و عدم مخالفت با نظم عمومی اتفاق نظر دارند، ولی انگلستان برخوردی انعطاف پذیرتر (به ویژه در حوزه تجاری) دارد و ایران بر اصل عمل متقابل تأکید بیشتری می نمایند، در حالی که مبنای اصلی در ایران، انطباق با فقه و قوانین داخلی است.

مبحث اول: مفاهیم و تعاریف

گفتار اول: مفهوم حقوقی رای

واخواهی در اصطلاح به شکایتی گفته می شود که محکوم علیه غایب نسبت به حکم غیابی در دادگاه صادرکننده حکم مطرح می کند^۱ در دادرسی مدنی رای تعریف نشده است و ماده ۱۵۴ آیین دادرسی مدنی فقط در مقام بیان رای در امور ترافعی است نه در امود حسبی. رای ترافعی

^۱ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ بیست و سوم، ۱۳۹۰، ص ۷۳۲.



قدر مشترک بین حکم و قرار است^۱ در امور حسبی هم رای صادر می شود بنابراین ترافی بودن قضیه شرط تحقق رای نیست. تحقق دعوی در خارج (بدون اینکه در دادگاه) طرح شده باشد شرط صدور رای نیست مانند مورد ماده ۲۲۸ دادرسی مدنی. در صدق عنوان رای در دستورات اجرایی دادرسی تامل است زیرا طبعاً اجرای رای غیر از خود رای است و دستورات اجرایی مقدمه اجرا است. گزارش اصلاحی رای نیست بلکه سندی صلی است که در دادگاه تنظیم می شود و ارزش سند رسمی معامله را دارد. رای قطعی به رایی گفته می شود که قابلیت اجرا داشته باشد.^۲ رای یا تصمیم قضایی مکتوبی است که در آن سرنوشت دعوی مطروحه مشخص می گردد. رای اعم از قرار و حکم است. دادگاه به تصدی رئیس شعبه یا دادرسی شعبه جلسه ی رسیدگی می دهد پس از رسیدگی به صدور تصمیم می نماید. چنانچه دادگاه مبادرت به تصمیم نهایی نماید که در خصوص خواسته ی مذکور در دادخواست می باشد. هرگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور جزئی یا کلی باشد [حکم] نامیده میشود و چنانچه دادگاه مبادرت به صدور رای نماید ولیکن راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور جزئی یا کلی نباشد در این صورت رای صادره [قرار] نامیده می شود.^۳

گفتار دوم: مفهوم فقهی رای

رای نظریه شخصی برآمده از تلاش ذهن و فکر، اندیشه و تدبیر و حکم صادره از قاضی است. رای به معنای برآمده از تلاش ذهن در باب اجتهاد و تقلید و قضاء به کار رفته است. از رای به معنای اندیشه و تدبیر در باب جهاد و حج سخن گفته اند. خداوند متعال در قرآن کریم راه آگاهی از دین^۴ و دریافت احکام الهی را وحی می داند که از طریق پیامبران به مردم

^۱ - احمدی، نعمت؛ آیین دادرسی مدنی، تهران، اطلس، چاپ سوم، ۱۳۹۵، ص ۱۶۸.

^۲ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ بیست و سوم، ۱۳۹۲، ص ۳۲۵.

^۳ - سریر، فرزانه؛ نکات طبقه بندی شده ی موضوعی آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۶، ص ۲۱۱.

^۴ - سوره نساء، آیه ۱۰.

^۵ - سوره مائده، آیه ۴۸.



ابلاغ می‌گردد. بنابراین، اعمال نظر در دین، یعنی اظهار نظر شخصی در اصول و فروع دین، بدون استناد به منابع معتبر شرعی، همچون کتاب و سنت، حرام است. چنان که در روایات فراوانی از رأی و حکم بر اساس قیاس و استحسان نهی شده است^۱ یعنی بیان مراد خداوند بدون استناد به دلایل، شواهد و موازین معتبر شرعی، جایز نیست و در روایات از آن نهی شده است. در جنگ، کشتن پیرمردان ناتوان از جنگ جایز نیست، مگر آنکه صاحب رأی -نظر و اندیشه- باشند که از فکر آنان در پیشبرد جنگ علیه مسلمانان استفاده شود که در این صورت کشته می‌شوند. مستحب است کسی که برای رایزنی و مشورت انتخاب می‌شود، فردی پرهیزکار، خردمند، خیرخواه و صاحب نظر باشد.

گفتار سوم: مفهوم لغوی و اصطلاحی رای خارجی

همانگونه که بیان شد رأی به معنای عام شامل هر تصمیمی است که دادگاهها در دعاوی یا غیر آن می‌گیرند گرچه فیصله دهنده دعوی نباشد در حقوق فرانسه تمامی اعمال قضایی اعم از دولتی و غیر دولتی (برای مثال داور) را رأی به مفهوم اعم می‌نامند. اطلاق رأی، در حقوق ایران، به تمامی اعمالی که دادگاه انجام می‌دهد قانوناً ممتنع است. در حقیقت رأی، به مفهوم دقیق کلمه، در اصطلاح، به تصمیمی اطلاق می‌شود که حکم یا قرار باشد پس، از یک طرف، بایستی معیاری جستجو گردد که در آراء محاکم، حکم را از قرار متمایز نماید. از طرف دیگر، نظر به اینکه بخش قابل توجهی از اعمال محاکم به شکل «تصمیم قضائی» به مفهوم اخص، اتخاذ و صادر می‌شود، که رأی تلقی نمی‌گردد، باید معیاری در تشخیص رأی از «تصمیم قضائی» به مفهوم اخص ارائه شود و جهت تشخیص رأی از سایر تصمیمات محاکم، بهترین مرجع قانون است^۲. بدین معنی که قانونگذار در هر جا لازم دانسته که عمل در قالب رأی انجام شود آن را صریحاً مشخص نموده است. در اصطلاح حقوقی، حکم دادگاه رأیی است که به

^۱ - نوری طبرسی، محقق میرزا حسین، مستدرک وسائل الشیعه، قم، انتشارات مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۳۸۰ ص ۱۸۷.

^۲ - شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، انتشارات نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ ص ۲۱۲.



موجب آن، اختلافات، در آن دادگاه فصل شود. به عبارت دیگر رأی دادگاه اگر راجع به ماهیت دعوی باشد و آن را بعضاً یا کلاً قطع کند حکم نامیده می شود، ماده ۲۹۹ قانون آئین دادرسی مدنی معیار تشخیص حکم از قرار را معین نموده است: «چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور جزئی یا کلی باشد حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می شود. این دسته از تصمیمات دادگاه با توجه به توضیحات آتی بدون تردید موضوع شناسایی و اجرای آرای خارجی در حقوق ایران و انگلیس قرار می گیرد. چرا که در انگلیس مطابق قواعد کامن لا رأی عبارت است از یک تصمیم صادره بوسیله یک دادگاه نسبت به یک موضوع که این تصمیم ممکن است موقتی باشد مانند یک تصمیم ویژه پیش از صدور یک رأی در دعوی اصلی و یا نهایی و قطعی باشد که موجب حل و فصل اختلافات و خاتمه دادن دعوی می شود. لذا در انگلیس مطابق قواعد کامن لا از لحاظ شناسایی و اجرا همین معنای اخیر مورد قبول است.^۱ دادگاه با شروع فعالیت خود، اعمالی را انجام می دهد یا به عبارت دیگر تصمیماتی اتخاذ می نماید که باید مورد شناسایی قرار گیرد آنچه مسلم است، اهم تصمیمات دادگاه به صورت رأی صادر می شود که این رأی در معنای وسیع آن شامل تمام تصمیمات دادگاه است که در امور ترافیعی یا در امور حسبی یا در امور اداری اتخاذ می شود. اما رأی در معنای اخص خود تصمیم دادگاه در امور ترافیعی است که این تصمیم میتواند حکم یا قرار باشد اما صرف نظر از تنوع احکام و قرارها، اعمال دادگاه منحصر به حکم و قرار نمی شود. اهمیت تعیین معیار تشخیص از اینجا ناشی می شود که با روشن شدن ماهیت عمل دادگاه، شناسایی اثر آن از حیث اعتبار امر قضاوت شده امکان پذیر می گردد. تقسیم بندی اعمال محاکم به قضایی و اداری و تعیین معیار تشخیص هر یک به زعم ما، بیشتر جنبه نظری پیدا می نماید. در حقیقت، همانطور که گفته شد، شناسایی تصمیمات (اعمال) محاکم و توصیف و نامگذاری آنها باید در جهت بررسی آثار مهمی انجام شود که بر هر یک مترتب است. به بیان دیگر، پرسش این است که کدام یک از تصمیمات محاکم واجد اعتبار امر

^۱ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ نهم، ۱۳۹۲، ص ۲۴۳.



قضاوت شده بوده تا بدین لحاظ قابل شناسایی و اجرا از طریق محاکم خارجی باشد.^۱ قانون صلاحیتدار برای تعیین معنای حکم خارجی، قانون مقر دادگاه محل تقاضای شناسایی و اجرا است. البته مطابق قانون محل صدور نیز می‌بایستی این تصمیم حکم تلقی شود زیرا ما در صدد بیان آثار حکم هستیم و میدان، میدان انشای حق نمی‌باشد و نمی‌خواهیم حکم داخلی صادر کنیم. لذا حکم باید از مقام قضایی که بتواند تصمیماتی را اتخاذ کند که در کشور محل شناسایی آثار، حکم نامیده شود، صادر شده باشد. از آنجا که تصمیماتی که مقامات قضایی کشور اتخاذ میکنند متنوع می‌باشد اگر چه به طور عام رأی نامیده می‌شود، ولی می‌بایستی منظور از رأی را از لحاظ شناسایی و اجرا روشن نمایم

گفتار چهارم: مفهوم لغوی و اصطلاحی اجرا

در این گفتار در دو بند به بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی اجرا پرداخته خواهد شد.

بند اول: مفهوم لغوی اجرا

معنی لغوی اجراء روان ساختن و جاری کردن است و در اصطلاح علم حقوق نیز به همین معنا بکار رفته است یعنی رأی دادگاه را در مورد رأی روان و جاری می‌سازند. اجرا به کسر همزه به معنی راندن، جاری کردن، انجام دادن به جریان انداختن و اقدام به اعمالی برای به عمل در آوردن حکم قضایی را گویند. و در اصطلاح به کار بردن یا به کار بستن احکام دادگاه ها و مراجع رسیدگی اداری یا اسناد رسمی را اجرا گویند.

بند دوم: مفهوم اصطلاحی اجرا

اجرا در معنای حقوقی آن عبارت است از اعمال قدرت عمومی برای تحمیل مفاد حکم مراجع قضائی به محکوم علیه و یا اجبار شخص به انجام تعهدات و الزاماتی که با تمایل خود و یا به امر قانون عهده دار گردیده است.^۲ در اصطلاحات اجرای احکام، اجرای اسناد رسمی، اجرای

^۱ - صدر زاده افشار، سید محسن، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی دادگاههای عمومی و انقلاب، موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، چاپ پنجم، ۱۳۹۶، ص ۲۲۳.

^۲ - جنیدی، لعیا، اجرای آرای داور بازرگانی خارجی، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش چاپ چهارم، ۱۳۹۳، ص ۹۰.



مالیاتی، اجرا موقت اجرائیه، اجرائیه ثبتی، اجرائیه دادگاه، اجرائیه سند ذمه ای اجرائیه سند رهنی اجرائیه سند شرطی، ورقه اجراء و ضمانت اجراء شامل ابلاغ اجرائیه دادگاه تا مرحله تحویل محکوم به به محکوم له را گویند در معنای خاص، تحقق بخشیدن مدلول حکم را گویند که شامل ابلاغ اسناد لازم الاجرا، اجرا قرار، اجرای رای داور، اجرای مدنی، اجرای کیفری و... به کار رفته است، اجرای حکم در دو معنای خاص و عام استعمال شده است: معنای عام آن شامل ابلاغ اجرائیه دادگاه تا مرحله تحویل محکوم به به محکوم له را گویند و در معنای خاص، تحقق بخشیدن مدلول حکم را گویند که شامل ابلاغ نمی شود. منظور از اجرای احکام مدنی در مقابل اجرای احکام کیفری است.^۱ در واقع اجرای حکم نتیجه ماه ها و شاید سال ها رسیدگی در مراجع دادگستری می باشد، و مقصود کسی که جهت احقاق حق و حقوق خود به این مراجع مراجعه نموده است حاصل می گردد. اجرا در معنای قانونی و قضایی عبارت است از اعمال قدرت عمومی برای تحمیل مفاد حکم مراجع قضایی به محکوم علیه و یا اجبار شخص به انجام تعهدات و الزاماتی که با تمایل و یا به امر قانون عهده دار گردیده است.^۲ اصل ۳۴ قانون اساسی این حق را به طور بدیهی بیان داشته است که دادخواهی حق مسلم و بدیهی هر فردی از افراد جامعه است که برای استیفاء حق خود می تواند به دادگاه صالح مراجعه نموده و در واقع هدف از طرح دعوا و رجوع به محاکم ستاندن حق است، صرف صدور حکم به نفع دادخواه مقصود نهایی از طرح دعوا را مشخص نمی کند بلکه با اجرای آن است که هدف و غایت نهایی به بار می نشیند.^۳

" توجه به تعریف مذکور وجود چند عنصر را در اجرای احکام نشان می دهد که عبارتند از:

۱- رویه قضایی ایران در ارتباط با اجرای احکام مدنی، معاونت آموزش قوه قضاییه، انتشارات جنگل، چاپ نهم، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲.

۲- مدنی، سید جلال الدین اجرای احکام مدنی، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۷۹، ص ۱۱۶.

۳- اصل ۳۴ قانون اساسی «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.»



۱- اعمال قدرت عمومی یا دخالت قوه قهریه عمومی در مواردی که محکوم علیه از اجرای مفاد حکم استنکاف می‌نماید محکوم له راساً نمی‌تواند مفاد حکمی را که به نفع خود تحصیل نموده است به مورد اجرا گذارد بلکه این اقدام پس از طی تشریفات لازم از طریق مقامات صالحه با استفاده از قوای عمومی صورت می‌پذیرد.

۲- وجود حکم قضائی یا سند لازم الاجرا: تنها در صورتی که حکم قطعی و لازم الاجرائی از مرجع قضائی صالح صادر شده باشد یا سند رسمی به مرحله اجرا رسیده باشد، اجرا با دخالت قوای عمومی انجام می‌گیرد. منظور از حکم نهایی، همانگونه که در تبصره ماده ۲۲ قانون ثبت تصریح گردیده حکمی است که به واسطه طی مراحل قانونی اعتراض و پژوهش و فرجام و یا انقضاء مدت قانونی آنها، دعوایی که حکم در موضوع آن صادر شده از دعاوی مختومه محسوب می‌شود و قانوناً مرحله دیگری برای رسیدگی مجدد باقی نمانده باشد باید دانست که حکم نهایی با حکم قطعی تفاوت دارد به این معنی که هر حکم نهایی حکم قطعی هم هست اما بعضی از احکام قطعی هست لیکن نهایی نیست زیرا منظور از حکم قطعی در امور حقوقی، حکمی است که قابل اجرا باشد و ممکن است حکمی قابل اجرا باشد در حالتی که به مرحله نهایی نرسیده است.^۱ "مفاهیم «اعتبار قضیه محکوم بها» و قدرت اجرایی حکم با هم ارتباط نزدیک دارد و به همین جهت هم گاه این دو اصطلاح به جای هم استعمال می‌شود. ولی باید دانست که اعتبار حکم و قدرت اجرایی آن، دو مفهوم مشخص و متمایز از یکدیگر است و در به کار بردن هر اصطلاح بایستی معنی خاص آن را رعایت کرد.^۲

^۱ - شهری، غلامرضا، حقوق ثبت اسناد و املاک، چاپ هشتم، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۲.

ص ۱۰۸

^۲ - کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعاوی مدنی، ناشر کانون وکلای دادگستری مرکز، چاپ پنجم، ۱۳۹۸، ص ۱۱۴.



مبحث دوم: مطالعه تطبیقی مبانی اجرای احکام خارجی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان

در این مبحث در چند گفتار به بررسی مبانی نظری اجرای رای خارجی از جمله نزاکت، رفتار متقابل و... در حقوق ایران و انگلیس پرداخته خواهد شد.

گفتار اول: عمل متقابل

سر آغاز انعطاف در مقابل احکام خارجی و پذیرش آثار آن تحولی در جهت کاستن از شدت و خشکی اصل حاکمیت قضایی کشورها بود. می توان گفت که سنگ اساس این تأسیس، رفتار متقابل کشورها بود بعبارت دیگر انعطاف کشورها در مقابل اجرای احکام خارجی در قلمرو آنها با پذیرش تئوری رفتار متقابل آغاز گردید. شرط رفتار متقابل هیچ گونه نظری به محتوای حکم خارجی از لحاظ صحت و یا سقم دادرسی و با رعایت حقوق بین المللی توسط دادگاه صادر کننده حکم ندارد. این روش از نظریه هایی است که از ارائه دلیل اعتبار خویش ناتوان است هدف این روش دلالت کشور های دیگر به شناسایی و اجرای احکام صادره از کشوری است که شرط مزبور را رعایت می کند. بهتر است روش کاملتری یعنی پیش بینی قراردادهای دو جانبه یا چند جانبه اتخاذ گردد.) نظریه رفتار متقابل نقطه شروع تحول در جهت شناسایی و اجرای احکام خارجی بود. موضوع رفتار متقابل از دو منظر یکی از لحاظ منشأ حق و دیگری از جهت شرط وجود یک حق قابل توجه است. در مورد اول موضوع این است که آیا دولت محل درخواست شناسایی و اجرا در صورتی که احکام صادره از دادگاههای کشور خارجی را شناسایی و اجرا نماید؟ پاسخ به این پرسش منفی است به این معنی که اصل معامله متقابل بخودی خود ایجاد حق نمی کند و هر دولتی باید خود رفتاری را که می خواهد در مورد احکام خارجی اعمال کند تعیین نماید.^۱ در مورد دوم یعنی رفتار متقابل به عنوان شرط وجود یک حق، باید گفت در حالیکه معامله متقابل نمی تواند منشأ حق باشد ولی ممکن است

^۱ - گلدوزیان، ایرج، ادله اثبات دعوی، انتشارات نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۳، ص ۲۵۳.



شرط وجود یک حق محسوب گردد. مثلاً در بحث وضع بیگانگان، دولتها گاهی اتباع خارجی را از حقوقی مطلقاً محروم می‌کنند و گاهی اعطای آن حقوق را مشروط به شرایطی می‌نمایند.^۱ البته این بسته به نظر قانونگذار است که معین کند اتباع خارجی در چه مواردی و یا تحت چه شرایطی از حق معینی استفاده خواهند کرد این شرط ممکن است شرط رفتار متقابل باشد، در این صورت برخورداری از حق منوط به رفتار متقابل می‌گردد. در اینجا یک قاعده حقوقی حکم فرما نیست و این عمل صرفاً مصلحتی است و دولتها حسب مورد، حقوقی را بدون شرط و یا با شرط رفتار متقابل به خارجی‌ها اعطا می‌نمایند. در موضوع شناسایی و اجرای احکام خارجی نیز وضع به همین منوال است.^۲ رفتار متقابل به سه صورت ظاهر می‌شود ۱- رفتار متقابل سیاسی ۲- رفتار متقابل قانونی ۳- رفتار متقابل عملی

بند اول: اقدام متقابل در روابط دیپلماتیک

رفتار متقابل سیاسی به وسیله انعقاد یک معاهده سیاسی برقرار میشود. در این صورت با انعقاد یک معاهده سیاسی بین دو کشور، احکام صادره از دادگاههای هر یک از آن دو کشور در کشور دیگر در صورت وجود سایر شرایط مقرر شناسایی و اجرا خواهند شد. معاهده تعاون قضائی بین ایران و ترکیه مصوب خردادماه ۱۳۱۶ که به هنگام بررسی سابقه تاریخی موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت نمونه‌ای از این نوع رفتار متقابل است.

بند دوم: تقابل حقوقی متقابل

چنانچه قانونگذار، شناسایی و اجرای احکام صادره از دادگاههای خارجی را مشروط به آن کند که در قانون کشور صادرکننده حکم نیز به صراحت همین حق برای احکام دادگاههای داخلی پیش‌بینی شده باشد، رفتار متقابل قانونی محقق خواهد شد. بدیهی است این نوع رفتار متقابل منحصر در روابط بین کشورهایی که دارای قوانین موضوعه هستند قابل اجرا می‌باشد.

^۱ - کاتوزیان. ناصر، قواعد عمومی قراردادها. نشر مجد، ج ۱، چاپ سوم، ۱۳۸۴، ص ۱۵۹.

^۲ - نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول و دوم، چاپ ششم، کتابخانه ملی ایران سال ۱۳۸۹ ص ۹۳



رفتار متقابل قانونی بیش از رفتار متقابل سیاسی قابل انعطاف است. زیرا نیازی به انعقاد معاهده سیاسی ندارد و در عین حال از استحکام بیشتری نیز برخوردار است. (مطابق ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی در صورتی که حکم از کشوری صادر شده باشد که به موجب قوانین خود احکام صادره از دادگاههای ایران در آن کشور قابل اجرا باشد در صورت وجود سایر شرایط مقرر در این ماده در ایران قابل اجرا است.^۱

بند سوم: تعامل متقابل عملی

اگر احکام صادر شده از دادگاههای کشور محل درخواست شناسایی و اجرا، عملاً بر اساس عرف، عادت یا رویه قضایی و اداری قابل شناسایی و اجرا باشند، احکام صادره از کشور خارجی نیز از این امتیاز برخوردار خواهند شد. این رفتار متقابل بسیار قابل انعطاف است و احتیاجی به تصویب قانون یا انعقاد معاهده ندارد، البته دشواری اثبات وجود رفتار متقابل عملی از معایب این روش محسوب شده و بایستی مقام صلاحیتداری وجود داشته باشد که رفتار متقابل را در روابط بین دو دولت تصدیق نماید. بند اول ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی بعد از ذکر رفتار متقابل سیاسی و قانونی از معامله متقابل یاد کرده است که منظور همان رفتار متقابل عملی است. در مورد کشورهایی که از سیستم حقوقی کامن لا پیروی می کنند به دلیل حاکمیت رویه قضائی، رفتار متقابل عملی ملاک اصلی قابلیت شناسایی و اجرای احکام صادره از دادگاههای آن کشور ها در ایران است.^۲

^۱ - همان.

^۲ - نصیری، محمد، همان منبع ص ۹۴.



گفتار دوم: نظریه نزاکت

اولین نظریه‌ای که به منظور توجیه شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق انگلستان مطرح شد، نظریه نزاکت بود.^۱ اصل نزاکت که در واقع اقتضای حقوق ملل بود بعنوان مبنای شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق انگلیس مورد قبول قرار گرفت، این اصل به این معنی است که به منظور تحصیل رفتار متقابل در کشورهای دیگر باید برای احکام خارجی همان اعتباری را شناخت که در محل صدور دارند و عبارت دیگر بر اساس این نظریه هر کشوری بایستی قوانین و مقررات کشورهای دیگر را محترم شمارد چون با اینکه هیچ دولتی مکلف نیست که اجرای قوانین و احکام دولت دیگر را در قلمرو سیاسی خود اجازه دهد ولی از آنجا که بیم آن می‌رود که قوانین و احکام آن کشور در کشورهای دیگر به موقع اجرا گذاشته نشود پس بهتر است هر دولتی اجازه دهد احکام دولت دیگر در قلمرو آن تحت شرایطی به مرحله اجرا درآید. بنابراین لازمه رعایت نزاکت بین المللی آن است که دادگاههای یک کشور احکام صادره از دادگاههای خارجی را مورد شناسایی و اجرا قرار دهند. طرفداران نظریه نزاکت، اجرای حکم دادگاه خارجی را صرفاً به لحاظ احترامی می‌دانند که کشور محل اجرا برای حاکمیت کشور صادر کننده حکم قائل می‌باشد و معتقدند که این احترام باید جنبه متقابل داشته باشد. ولی حقیقت این است که نظریه نزاکت نه به معنی الزام مطلق است و نه به مفهوم احترام و حسن نیت محض می‌باشد بلکه عبارت از اعطاء اجازه برای شناسایی اقدامات تقنینی، اجرایی و یا قضائی کشور دیگر در داخل قلمرو سرزمین خود می‌باشد. ملاحظاتی از قبیل توجه به مصالح اتباع خودی و سایر افرادی که در پناه قانون این کشور قرار دارند و توجه به عنصر تسهیل روابط بین المللی مورد عنایت می‌باشد.^۲

^۱ -The doctrine of comity - Cheshire & North's, Private international law. Eleventh Edition, Butter worth ۱۹۸۷, P.۳۳۸.

^۲ - مطابق این نزاکت چنانچه صحت و منصفانه بودن یک رأی مورد توجه قاضی قرار گیرد موجب تقلیل اختلاف بین دولتها، صرفه جوئی در امکانات قضائی و امنیت تجارت بین الملل که اهداف این بن هستند میگردد.



گفتار سوم: نظریه تعهد^۱

(الزام قانونی) بر اساس نظریه تعهد که مبتنی بر اصل اعتبار امر قضاوت شده در روابط بین‌المللی است و برای نخستین بار در سال ۱۸۴۲ میلادی مطرح شد، حکم صادره از دادگاه صلاحیت‌دار خارجی تعهد یا تکلیفی برای پرداخت مبلغ محکوم به بر عهده محکوم علیه ایجاد می‌کند که مانند هر تعهد دیگری قابل شناسایی و اجراست و دادگاه محل درخواست اجرا موظف به احترام و اجرای آن است. بنابراین چنانچه یک دادگاه صلاحیت‌دار خارجی شخصی را به پرداخت مبلغی وجه نقد به نفع دیگری محکوم کند این الزام برای شخص محکوم علیه یک تعهد حقوقی به وجود می‌آورد که در انگلیس براساس دعوی مبتنی بر دین، باید اجرا گردد و به محض اثبات حکم خارجی در دادگاه این کشور، ارائه دلیل به عهده خوانده می‌باشد که می‌بایستی مواردی را اثبات کند که موجب بی‌اثر شدن حکم خارجی در انگلیس می‌شود. قاضی «لرد اشر» مسئولیت خوانده را ناشی از یک قرارداد ضمنی می‌دانست که به موجب آن متعهد است مبلغ مورد حکم را بپردازد.^۲ (دکترین تعهد در پرونده «آدامز علیه کاپ اینداستریال» مبنای اجرای احکام خارجی «علیه شخص» شناخته شد.^۳ طرفداران این نظر استدلال می‌کنند که اعتبار امر محکوم بها فقط راجع به احکام صادره از محاکم داخلی نیست و مصلحت ایجاب می‌کند که پس از اینکه راجع به یک دعوی یک بار در یک محکمه صلاحیت‌دار رسیدگی بعمل آمد از تجدید رسیدگی و احیاناً صدور احکام متعارض جلوگیری شود و تعهد یا تکلیفی که ایجاد شده است در سایر کشورها به مرحله اجرا گذاشته شود. بر این اساس بعضی از مؤلفین آمریکایی معتقدند آنچه ورای این استدلال ظاهری محاکم برای اجرای احکام خارجی قرار دارد در واقع همان «اعتبار قضیه محکوم بها» است چراکه نظم عمومی

^۱ - الماسی، نجادعلی، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ سوم، نشر میزان ۱۳۹۶، ص ۲۱۶.

^۲ - ادوارد بریشتاین ریستاو: مقاله اجرای احکام خارجی به وسیله دادگاههای ایالتی و فدرال آمریکا، ترجمه محمد جواد میر فخرایی، مجله حقوق شماره ۲ ص ۱۷۵.

^۳ Lord Escher ۲- Grandv. Easton ۱۸۸۳ B.Q.B.P.۳۰۲, ۳۰۳ Adams v.cape industrial o.k. (۱۹۴۰) chi. ۴۳۳ (C.A) ۴- In persona ۵-J.G.Collier.conflict of Laws third Edition, Cambridge University, press ۲۰۱۹, p. ۱۰۹.



اقتضاء میکند که دعوی در نقطه ای پایان پذیرد و طرفین مأخوذ به نتیجه دادرسی باشند. موضوعاتی که رسیدگی شده برای همیشه نسبت به اصحاب دعوی مختومه تلقی گردد که این امر هم در مورد احکام داخلی و هم احکام خارجی صادق است به بیان ساده تر توجیه قانع کننده تری جز اینکه احکام مزبور عملاً و معمولاً مورد اجر گذاشته می شوند وجود ندارد. در سال ۱۸۴۵ در پرونده « ویلیامز علیه جونز » این نظریه به وسیله قاضی « بارن پارک » توسعه یافت، با توجه به اینکه مبنای اجرای احکام خارجی مطابق این نظریه، تعهد تلویحی خواننده مبنی بر پرداخت مبلغ مورد حکم می باشد لذا راجع به مسئله اجرای قراردادی که مفاد آن اجرای عین تعهد یا تحویل کالای خاص باشد این نظریه نمی تواند مبنا قرار گیرد. همین طور احکامی که دارای طبیعت اعلامی بوده و اجرای آنها مقصود نیست اجرای آنها طبق این مبنا توجیه پذیر نیست.

گفتار چهارم: نظریه حقوق مکتسبه^۱

قضات کامن‌لا که تحت تأثیر سنت‌گرایی عمیقی قرار داشتند و با توجه به پیوند اساسی کامن‌لا با اصل صلاحیت مستقل سرزمینی، در جستجوی توجیهی متفاوت برای شناسایی و اجرای احکام خارجی بودند. و تمایلی به قبول آثار حکم خارجی بر مبنای اقتدار اعطاء شده به قاضی خارجی نداشتند زیرا بر اساس اصل صلاحیت سرزمینی، اقتدار اعطاء شده به قاضی، خارج از سرزمین کشور متبوع وی اثری ندارد. از نظر آنان حکم دادگاه دو جنبه دارد از یک سو بعنوان یک « عمل دولتی »^۲ تلقی شده و از سوی دیگر یک « معامله خصوصی »^۳ را منعکس می نماید که حقوقی را برای طرفین پیش بینی میکند اجرای حکم خارجی را می توان به هر یک از این دو جنبه مبتنی نمود از یک طرف حکم دادگاه خارجی از اعلامیات رسمی حاکمیت خارجی بوده که مطابق اصول حقوق بین الملل خصوصی باید مورد پذیرش قرار گیرد، از سوی دیگر

^۱ – The theory of vested rights

^۲ – Public act

^۳ – Private transaction



اختلافات حقوقی اشخاص خصوصی را حل و فصل نموده و ماهیت رسمی دارد که برای طرفین همانند قرارداد، الزام آور است. کامن لا جنبه دوم را پذیرفته است لذا در بعضی تصمیمات محاکم انگلیسی، ضرورت رعایت حقوق مکتسبه افراد بعنوان مبنای شناسایی احکام خارجی قلمداد شده است.^۱ در مورد احکام راجع به عین^۲ "بهترین مبنایی که میتواند شناسایی و اجرای آنها را توجیه نماید همین نظریه است. نظریه حقوق مکتسبه در انگلیس توسط «دایسی»^۳ و در آمریکا توسط «بیل» عنوان گردید و ناشی از تأثیر بین المللی حقوق مکتسبه است. موافق این نظر حکم صادره از دادگاه خارجی برای محکوم له حقی را بوجود می آورد که حق ثابت و مکتسب می باشد و این حق باید در کشورهای دیگر محترم شمرده شود و منشأ آثار باشد و لازمه محترم شمردن حق مکتسب این است که حکم خارجی به موقع اجرا گذاشته شود. بعبارت دیگر حکم پس از صدور به منزله حقی است که به موجب قانون- صلاحیتدار به وجود آمده است و نتیجه منطقی این استدلال با توجه به اصل شناسایی بین المللی حقوق مکتسبه که اساسی ترین مبنای حقوق بین الملل خصوصی است، اعتبار احکام در خارج از قلمرو سیاسی کشور صادر کننده حکم است.^۳ در واقع حکمی که دستور اجرای آن صادر شده است و به ترتیب فوق در کشورهای خارجی (کشوری غیر از کشور محل صدور اجرا می گردد، دارای همان آثاری خواهد بود که در کشور محل صدور برای آن قائل می شوند و هرگز نمی تواند دارای آثار بیشتری باشد (آثار حق مکتسبه) زیرا ارزش و اعتبار هر حکمی به اندازه و درجه ای است که قانون و قاضی صلاحیتدار و رسیدگی کننده به آن داده است و اجرای حکم در یک کشور خارجی علی الأصول نباید تغییری در ارزش و اعتبار و آثار آن بدهد بنابراین:

^۱ - ابریشترین ریستائو، ادوارد، اجرای احکام خارجی به وسیله دادگاههای ایالتی و فدرال آمریکا ترجمه محمد جواد میرفخرایی، مجله حقوقی شماره ۲، ص ۱۷۵.

^۲ - Judgment in-ram

^۳ - نصیری، مرتضی، حقوق چند ملیتی، نشر دانش امروز، چاپ سوم، سال ۱۳۹۴ ص ۳۸۴.



اولا : هرگاه حکمی در مملکت اصلی قابلیت اجرا نداشته باشد مسلما در مملکت خارجی نیز مورد شناسایی و اجرا قرار نخواهد گرفت.

ثانیا : اعتبار امر محکوم بها نیز در مورد احکام خارجی طبق قانون مملکت صادر کننده در نظر گرفته می شود. لذا صدور اعتبار امر مختومه و رسمی بودن اعتبار حکم خارجی، باید طبق قانون مملکت صادر کننده حکم باشد. لازم به تذکر است که قابلیت شمول حکم نسبت به اشخاصی که حکم به آنها مربوط می شود (مثل طرفین دعوی، قائم مقام آنها و در بعضی موارد اشخاص ثالث) نیز طبق قانون کشور صادر کننده حکم تعیین می گردد.)

گفتار پنجم: نظریه اختصاصی بودن قانون^۱

این نظریه که توسط پروفیسور ون بار مطرح شده، هدف آن ایجاد هماهنگی میان شناسایی و اجرای احکام خارجی و اجرای قوانین خارجی است. بر اساس این نظریه، حکم در واقع یک قانون خاص به شمار می آید که تنها یک موضوع را شامل می شود و بر روابط میان اصحاب همان دعوی حاکم است.

و بایستی آن قانون را اعمال نمود^۲. این نظریه قضیه را خیلی ساده می کند. درست است که بین حکم طلاق صادره از یک محکمه و یک قانون پارلمان کبک که انحلال ازدواج خاصی را اعلام میکند عملا اختلافی وجود ندارد ولی به صرف وجود چنین موارد استثنایی نمی توان حکم محکمه را قانون تلقی کرد بلکه در این موارد قانون است که به صورت حکم وضع شده است و طبعاً اجرای چنین قانونی مانند هر حکم طلاق دیگری تابع مقررات مربوط به شناسایی احکام خارجی است نه قواعد ناظر بر اعمال خارجی. مثلاً هر گاه به یکی از زوجین قبل از وضع چنین قانونی فرصت دفاع داده نشده باشد یا حکم با توسل به وسایل متقلبانه صادر شده باشد با وجود آنکه عنوان قانون دارد مانند هر حکم دیگری بعلت تقلب یا سایر نواقص مربوط به نحوه رسیدگی قابل شناسایی نخواهد بود.)

^۱ - Lex specialist.

^۲ - ارفع نیا، بهشید، حقوق بین الملل خصوصی، جلد دوم، انتشارات عقیق سال، چاپ سوم، ۱۳۹۲ ص ۲۴۹.



گفتار ششم: نظریه مورد پذیرش

پیش از تصویب قانون اجرای احکام مدنی در سال ۱۳۵۶، شرط رفتار متقابل همواره یکی از شرایط اساسی برای شناسایی و اجرای احکام خارجی بوده است و این نظریه همچنان به عنوان یکی از شروط ضروری اجرای احکام خارجی در ایران، طبق بند اول ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ۱۳۵۶، شناخته می شود. ماده مذکور احکام مدنی صادره از دادگاههای خارجی را در صورتی در ایران قابل اجرا می داند که « حکم از کشوری صادر شده باشد که به موجب قوانین خود یا عهود یا قراردادهای، احکام صادره از دادگاههای ایران در آن کشور قابل اجرا باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید» نتیجه اینکه سیستم حقوقی ایران « رفتار متقابل» را بعنوان مبنای شناسایی و اجرای احکام خارجی مورد قبول قرار داده است. هر چند مبانی « تعهد» و « حقوق مکسبه» نیز میتواند با این سیستم حقوقی سازگاری داشته باشد ولی به نظر میرسد پذیرش رفتار متقابل با توجه به موقعیت فعلی ایران در روابط اقتصادی و تجاری بین المللی بهتر از پذیرش سایر مبانی می تواند منافع ملی و منافع فعالان بخش اقتصادی ایران را تأمین نماید^۱ و این استدلال فقط به دلیل نا برابری عمیق موجود در عرصه اقتصادی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وعدم وجود تعادل در موازنه تجاری بین این کشورهاست. در ممالک آنگوساکسون نیز که در حال حاضر در سطح وسیعی احکام خارجی مورد شناسایی قرار می گیرند در ابتدا حقوقدانان مبنای شناسایی احکام خارجی را نظریه نزاکت می دانستند این نظریه به این معناست که مجبوریم به احکام خارجی همان اعتباری را که در محل صدور دارند بدهیم تا بتوانیم نسبت به احکام داخلی رفتار متقابلی را تحصیل نمائیم.^۲ در حال حاضر « دکترین تعهد» بعنوان مبنای شناسایی و اجرای احکام خارجی مورد قبول سیستم حقوقی انگلیس قرار گرفته است که به طور وسیعی موجب اجرای احکام خارجی در این کشور گردیده است. البته قوانین موضوعه، سیستم اجرا از طریق ثبت احکام خارجی در

^۱ - نصیری، مرتضی، منبع پیشین، ص ۳۸۷.

^۲ - Cheshire & norths, opacity. p.۳۳۸.



دادگاه انگلیس را پیش‌بینی نموده‌اند که به نحو چشمگیری مبتنی بر نظریه رفتار متقابل است که قوانین مذکور به تفصیل در مباحث بعدی مورد مطالعه قرار خواهند گرفت. از سوی دیگر معاهداتی که بین پادشاهی متحده با کشورهای دیگر در این خصوص منعقد شده است با تصویب قوانینی وارد حقوق انگلیس شده که از طریق سیستم ثبت احکام به این مقصود جامه عمل پوشانده‌اند.

مبحث سوم: تشریفات و آیین دادرسی حاکم بر اجرای حکم دادگاه خارجی در حقوق ایران و انگلیس

گفتار اول: تشریفات و آثار حاکم بر اجرای حکم دادگاه خارجی در حقوق ایران

بند اول: مرجع و تشریفات تقاضای اجرای حکم دادگاه خارجی

اولین مسأله‌ای که برای درخواست شناسایی و اجرای حکم خارجی مطرح می‌شود، تشخیص مرجعی است که این درخواست باید به آن مرجع تقدیم شود. ماده ۱۷۰ قانون اجرای احکام مدنی مرجع رسیدگی به تقاضای اجرای حکم خارجی را دادگاه شهرستان معرفی نموده که با توجه به تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و صلاحیت عام دادگاههای عمومی مرجع صلاحیتدار در حال حاضر دادگاه عمومی است. ماده مذکور دادگاه محل اقامت محکوم علیه و یا محل سکونت وی را از نظر قواعد صلاحیت محلی دادگاهها صالح می‌شناسد و اگر محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه در ایران معلوم نباشد دادگاه صالح، دادگاه عمومی تهران می‌باشد.^۱ محل اقامت ممکن است محل سکونت شخص نیز باشد و ممکن است فقط محلی را رسماً به عنوان اقامتگاه تعیین کرده باشد و اصلاً در ایران سکونت نداشته باشد. همینطور ممکن است در ایران اقامتگاهی نداشته ولی در این کشور ساکن باشد. بنابراین محکوم له

^۱ - رئیس، مریم، ساعدی، بهزاد، استقلال شرط داوری در قراردادهای تجاری بین‌المللی، تحقیقات حقوقی آزاد، سال ششم، (۱۳۹۲)، شماره ۱۹، ص ۲۵.



حکم خارجی می تواند به دادگاه عمومی محل اقامت با محل سکونت محکوم علیه و در صورت فقدان آن دو در ایران به دادگاه عمومی تهران مراجعه و با تسلیم مدارک صدور اجرائیه را درخواست نماید. هرگاه در عهود و قراردادهای منعقد شده بین ایران و کشور صادر کننده حکم، مرجعی غیر از مراجع مذکور تعیین شده باشد چنین مرجعی مقدم است و قاعده تقدم حقوق بین الملل بر حقوق داخلی در این شرایط و موانع شناسایی و اجرا خصوصاً حاکم است^۱ مطابق ماده ۱۷۲ قانون اجرای احکام مدنی اجرای حکم باید کتبا تقاضا شود و در تقاضانامه مزبور، نام محکوم له و محکوم علیه و مشخصات دیگر آنها قید شود منظور از مشخصات دیگر، تعیین اقامتگاه با محل سکونت دو طرف و مشخصات سجلی ایشان است. محکوم له حکم خارجی باید مدارک ذیل را مطابق ماده قانون مذکور ضمیمه تقاضای خود نماید

۱ - نسخه ای از رونوشت حکم دادگاه خارجی که صحت مطابقت آن با اصل به وسیله مأمور سیاسی یا کنسولی کشور صادر کننده حکم گواهی شده باشد و ترجمه رسمی گواهی شده آن به زبان فارسی

۲ - رونوشت دستور اجرای حکمی که از طرف مرجع صلاحیتدار مربوطه صادر شده و ترجمه گواهی شده آن این رونوشت نشان میدهد که حکم صادره در کشور محل صدور از اعتبار اجرایی برخوردار بوده و واجد شرایط مقرر در بند هشتم ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی است.

۳ - گواهی نماینده سیاسی با کنسولی ایران در کشوری که حکم از آنجا صادر شده با نماینده سیاسی یا کنسولی کشور صادر کننده حکم در ایران راجع به صدور دستور اجرای حکم از مقامات

صلاحیتدار بنابراین گواهی و تصدیق هر یک از دو مقام رسمی ایرانی و خارجی کفایت میکند.

^۱ - بنی هاشمی، پگاه، موانع شناسایی و اجرای آرای خارجی و بین المللی در ایران، کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۳۳.



۴- گواهی امضاء نماینده سیاسی با کنسولی کشور خارجی مقیم ایران از طرف وزارت امور خارجه پس از تسلیم مدارک مورد نیاز پرونده ای تحت عنوان امر به اجراء حکم خارجی تشکیل شده و مطابق ماده ۱۷۴ مدیر دفتر دادگاه عین تقاضا و ضمائم آن را به دادگاه می‌فرستد و دادگاه در جلسه فوق العاده و اداری با بررسی مدارک پس از احراز صلاحیت خود جهت رسیدگی به این تقاضا یکی از دو تصمیم ذیل را اتخاذ می‌کند. قرار قبولی تقاضا و قابل اجرا بودن حکم را صادر می‌کند و دستور اجرا می‌دهد یا ۲- قرار رد تقاضای صدور اجرائیه را با ذکر دلایل و جهات صادر می‌کند در صورتی که تصمیم اول اتخاذ شود عملیات اجرایی توسط دایره اجرای احکام پیگیری می‌شود و در صورت دوم قرار رد تقاضا به محکوم له حکم خارجی ابلاغ می‌گردد. بنابراین قاضی ایرانی یا باید دستور اجرا را صادر کند و یا تقاضا را رد نماید و حق اصلاح حکم را نداشته و به موضوع حکم خارجی، مجدداً رسیدگی ماهوی نمی‌کند. بنابراین دلایل جدیدی که محکوم علیه حکم خارجی به دادگاه ارائه کند مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد البته دفاعیات محکوم علیه در مورد خود حکم خارجی در دادگاه قابل طرح است. ادعای ایفاء تعهد موضوع حکم و ادعای تهاتر، ادعای جدید محسوب نشده و قابل طرح هستند.^۱

بند دوم: تجدید نظر خواهی نسبت به قرار دادگاه

مطابق ماده ۱۷۵ قانون اجرای احکام مدنی قرار رد تقاضا باید به متقاضی ابلاغ شود و نامبرده می‌تواند ظرف ده روز از آن پژوهش بخواهد. با توجه به اینکه مقنن در ماده ۱۷۵ قانون مذکور در مقام بیان بوده و با استفاده از مفهوم مخالف این ماده میتوان گفت که قرار قبولی تقاضای صدور دستور اجرا قابل تجدید نظر خواهی نبوده و تنها محکوم له حکم خارجی به عنوان متقاضی اجرا میتواند نسبت به قرار رد تقاضا اعتراض نماید. آئین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب دادگاه تجدید نظر مرکز استانی است که دادگاه بدوی در حوزه

^۱ - ابدالی، مهرزاد، «مطالعه تطبیقی مفاهیم نظم عمومی و اخلاق حسنه در حقوق فرانسه، انگلیس و ایران»، پژوهشنامه علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، سال سوم، شماره ۲، ۱۳۸۵، ص ۱۴.



آن قرار دارد. مرجع تجدید نظر مطابق ماده ۱۷۶ قانون اجرای احکام مدنی در جلسه اداری و فوق العاده به موضوع رسیدگی و در صورت وارد بودن شکایت با فسخ رأی تجدید نظر خواسته، امر به اجرای حکم صادر می نماید و در غیر این صورت آن را تأیید می کند.^۱ به نظر می رسد فرجام خواهی از رأی دادگاه تجدید نظر در موضوع صدور دستور اجرای حکم خارجی با عنایت به احصاء موارد قابل فرجام خواهی در ماده ۳۶۸ قانون آئین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب امکان پذیر نیست.

بند سوم: آثار حکم خارجی

به طور کلی سه مسأله نیروی اجرایی حکم خارجی اثر اعتبار امر قضاوت شده و نیروی اثباتی حکم خارجی را در اینجا مورد بررسی قرار داده و هر یک از این آثار در دو مقطع، یکی قبل از صدور امر به اجرا و دیگری بعد از صدور امر به اجرا مطرح می گردند. اعتبار امر قضاوت شده این اصل که دعوی باید پایانی داشته باشد و پس از قطعیت حکم، طرح مجدد آن منع گردد، تقریباً در تمام سیستمهای حقوقی پذیرفته شده است. به منظور رسیدن به این مطلوب، به تصمیم قطعی دادگاه اعتبار ویژه ای داده شده است که به موجب آن هیچ مرجعی نمی تواند حکم را معلق کند یا با صدور تصمیم مخالف آثار آن را از بین ببرد. همین که رأی دادگاه در موضوعی اعلام شد احترام آن بر اصحاب دعوی واجب است. شخصی که از مفاد حکم ناراضی است تنها می تواند از راههای پیش بینی شده در قوانین فسخ آن را بخواهد ولی حق ندارد از نو همان موضوع را مطرح سازد. این اثر حکم اعتبار امر قضاوت شده نامیده شده است و در مورد احکام صادره از محاکم خارجی که در ایران مورد شناسایی قرار گیرند نیز وجود دارد. در مورد مبنای این اعتبار نظرات گوناگونی از سوی حقوقدانان ابراز گردیده است. به گفته طرفداران مکتب اراده حکومت اعتبار امر قضاوت شده ناشی از احترامی است که اراده قانون و دولت دارد در هر دعوی دادرسی به عنوان نماینده دولت این اراده را بیان

^۱ - پورتوری، منصور، مقاله شناسایی و اجرای احکام دادگاههای خارجی در ایران، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز،



می‌کند و در نتیجه اصحاب دعوی را ناگزیر می‌سازد که از مفاد آن پیروی کنند. بطور خلاصه رأی دادگاه، اراده دولت است که از طرف نماینده او بیان میشود و اعتبار آن نیز از قدرت عالی حکومت و قانون سرچشمه می‌گیرد^۱ طرفداران نظریه عقد معتقدند که اعتبار حکم ناشی از قرارداد خصوصی و توافق اصحاب دعوی است. وقتی دو طرف دعوی برای حل اختلاف خود به محاکم مراجعه میکنند به طور ضمنی توافق کرده اند که یک حقیقت قضایی در روابط مبهم خود بوجود آورند و آثار آن را گردن نهند. بنابراین حکم دادگاه در اثر این عقد حقیقتی بوجود می‌آورد که برای دو طرف الزام آور است. مبنای اصلی اعتبار حکم نیز حقیقت قضایی است که بنا به اراده دو طرف دعوی ایجاد شده است برخی دیگر نیز جلوگیری از تجدید دعاوی و احتراز از صدور احکام متعارض را مبنای اعتبار امر قضاوت شده دانسته اند^۲. این حقوقدانان میگویند برای تأمین صحت حکم تضمینهای گوناگون بوجود آمده و به محکوم علیه فرصت داده شده است که در مراحل دادرسی حق خود را اثبات کند ولی اگر بنا باشد که پس از طی این همه تشریفات باز هم محکوم علیه بتواند همان مسأله را از نو مطرح کند دیگر هیچکس نباید امیدوار باشد که به طور قطع حقوق از دست رفته خود را بازیافته است و هیچگاه نمی‌توان گفت خصومت از بین دو طرف برخاسته است تقریباً تمام مؤلفان جدید بر این عقیده اند و جلوگیری از صدور حکم متعارض در حقوق ایران نیز به عنوان مبنای اعتبار امر قضاوت شده پذیرفته شده است. اعتبار امر قضاوت شده فقط به منطوق حکم خارجی تعلق می‌گیرد و اسباب حکم خارجی از این اعتبار بهره مند نیست منطوق بخش آمره حکم است که موضوع مورد اختلاف دو طرف را حل و یکی از آنان را محکوم میکند ولی اسباب حکم جهات و دلایلی است که موجب اقناع قاضی در حاکمیت یکی از دو طرف و انگیزه او در صدور حکم میشود. این اسباب ممکن است شامل نص صریح یا مفاد و روح یکی از قوانین با ادله خارجی از قبیل اقرار و اسناد و شهادت شهود و امارات باشد. به عبارت

^۱ - جنیدی، لعیا، «کنوانسیون نیویورک و رژیم اجرایی آن»، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۲، شماره ۱، بهار و تابستان، ۱۳۹۰، ص ۳۶.

^۲ - مدنی، سید جلال الدین حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۷۹، ص ۱۲۵.



دیگر سبب حکم، مجموع اموری است که مبنا و اساس حکم را تشکیل می‌دهد و آن را موجه می‌سازد بنابراین در حقوق ایران بعد از صدور امر به اجرا توسط دادگاه ایرانی منطوق حکم خارجی از اعتبار امر قضاوت شده برخوردار می‌شود و دادگاههای ایران حق رسیدگی به دعوایی که حکم خارجی، قبلاً آن را حل و فصل نموده است را ندارند نیروی اجرایی حکم خارجی هدف از دادرسی اتخاذ تدابیری است که پس از یک رشته بررسیها حق را از باطل تشخیص و حکم آن را تعیین نماید. پس از تعیین حکم موضوع همیشه محکوم علیه طوعاً حاضر به اجرای مفاد آن نمی‌شود لذا باید حکم واجد اثر و نیرویی باشد که بتوان آن را به وسیله قوه حاکمه به مرحله اجرا گذاشت و با استناد به نیروی اجرایی حکم است که مقامهای عمومی اختیار پیدا میکنند تا محکوم علیه را به اجرای مفاد دستور دادگاه اجبار کنند. . قبل از صدور امر به اجرا توسط دادگاه ایرانی بر حکم خارجی اثر اجرایی مترتب نیست.^۱

تقریباً در تمام سیستمهای مختلف حقوقی برای احکام خارجی بطور مستقیم نیروی اجرایی قائل نیستند. احکام صادره از دادگاههای یک کشور بنام حاکمیت آن کشور صادر شده و مطابق اصول و موازین حقوق بین الملل عمومی حق حاکمیت هر دولت محدود به قلمرو سیاسی آن دولت است و هیچ دولتی نمی‌تواند در خارج از قلمرو خود اعمال حاکمیت نماید لذا حکم خارجی در ایران که خارج از قلمرو سیاسی کشور مقرر دادگاه است قبل از صدور امر به اجرا توسط دادگاه ایرانی فاقد قوه اجرایی است. بعد از صدور امر به اجرا توسط محکمه ایرانی حکم خارجی دارای قابلیت اجرایی می‌باشد و حکم مذکور همانند احکام داخلی در ایران اجرا میگردد. نیروی اجرایی حکم خارجی و راههای مقرر برای اجرای آن تابع مقررات کشور محل شناسایی و اجرا است. از این رو نحوه اجرای حکم خارجی تابع تشریفات مقرر در ماده ۱۷۸ قانون اجرای احکام مدنی و ترتیب رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای حکم و اشکالاتی که در جریان اجرا پیش می‌آید نیز در ماده ۱۷۹ قانون مذکور تعیین گردیده است.^۲

^۱ - نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، تهران، کتابخانه ملی ایران، چاپ ششم، ۱۳۹۶، ص ۸۹.

^۲ - نیکبخت، حمیدرضا، داوری تجاری بین‌المللی (آئین داوری)، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ



نیروی اثباتی حکم خارجی در خصوص این مطلب که آیا حکم خارجی دارای نیروی اثباتی می‌باشد و در یک دعوی جدید میتوان به آن استناد نمود یا خیر میتوان گفت که نیروی اثباتی حکم خارجی بر اساس قواعد راجع به استناد تنظیم شده در خارج ارزیابی میشود زیرا به هر حال حکم خارجی قبل از صدور اجرائیه نوشته‌ای است رسمی که نزد مقام عمومی تنظیم یافته است و با توجه به اینکه سند خارجی دارای همان نیروی اثباتی میباشد که قانون محل صدور برای آن قائل است لذا حکم خارجی نیز دلیل مندرجات آن میباشد ولی این نیروی اثباتی به آنچه که قاضی صادر کننده حکم از آن مندرجات استنباط کرده است نسبی نمی‌یابد یعنی نیروی اثباتی حکم خارجی، ارزیابی دادگاه خارجی یا به عبارت دیگر منطوق حکم را در بر نمیگیرد و موضوعاتی از قبیل اسناد شهادت شهود، کارشناسی سوگند، اقرار، معاینه محل و غیره که منطوق حکم مستند به آنها انشاء شده دلیل بوده و می‌توان برای آنها نیروی اثباتی قائل شد.^۱ از آنجا که کشور ایران قاعده تبعیت اسناد از قانون محل تنظیم را پذیرفته و به لحاظ نیروی اثباتی برای سند خارجی همان نیروی اثباتی آن را در کشور خارجی قائل گردیده است حکم خارجی می‌تواند کلیه وقایعی را که قادر به تأیید و تصدیق آنها گردیده اثبات نماید ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی می‌گوید: محاکم ایران با اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آنجا تنظیم شده دارا میباشد مشروط بر اینکه اولاً - اسناد مزبوره به علتی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد ثانیاً - مفاد آنها مخالف با قوانین مربوطه با نظم عمومی با اخلاق حسنه نباشد ثالثاً - کشوری که استاد در آنجا تنظیم شده به موجب قوانین خود یا عهود، اسناد تنظیم شده در ایران را نیز معتبر بشناسد رابعاً - نماینده سیاسی یا قنصلی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده یا نماینده سیاسی و قنصلی مزبور در ایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است بنابراین می‌توان گفت که حکم خارجی در صورت وجود شرایط مقرر

^۱ - نصیری، محمد، اجرای آرای داوری خارجی، رساله‌ای حقوق خصوصی، کتابخانه ملی ایران، سال ۱۳۹۶، ص ۶۹.



در ماده مذکور دارای قوه اثباتی بوده و قاضی ایرانی می‌تواند آن را به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی مورد قبول قرار دهد.^۱

گفتار دوم: تشریفات و آثار حاکم بر اجرای حکم دادگاه خارجی در حقوق انگلیس

بند اول: عدم اجرا مستقیم حکم خارجی

محکوم له حکم خارجی که قصد اجرای آن حکم را در انگلیس مطابق قواعد کامن لا دارد نمی‌تواند از طریق درخواست اجرای مستقیم حکم خارجی به هدف خود نائل آید. خواهان شناسایی و اجرای حکم خارجی مطابق سیستم حقوقی کامن لا می‌تواند بر اساس سبب اصلی دعوی موضوع حکم خارجی، دعوی جدیدی در انگلیس اقامه نماید و یا اینکه بر اساس حکم خارجی به عنوان یک سبب مستقل، اقامه دعوی نماید.^۲ بر این اصل توسط قوانین موضوعه انگلیس استثنائاتی وارد گردیده که در مورد احکام صادره در محدوده‌های جغرافیایی خاص اعمال میشوند و ما این قوانین را در قسمتهای بعدی این تحقیق مورد بررسی قرار خواهیم داد. محکوم له حکم خارجی جهت دستیابی به هدف اجرای آن حکم باید دعوایی بر اساس حکم خارجی در انگلیس که دعوی مبتنی بر دین می‌باشد اقامه نموده و بعد از تحصیل حکم انگلیسی درخواست اجرای مفاد آن را بنماید. او می‌تواند مطابق قاعده چهارم از قواعد آئین دادرسی دادگاهها در این خصوص که خوانده هیچ دفاعی نسبت به دعوی ندارد درخواست رسیدگی اختصاری کند و اگر درخواست وی مورد قبول قرار گیرد خوانده بطور کلی نمیتواند در ماهیت دعوی دفاعی نماید سرعت و سهولت این رسیدگی توأم با تمایل قضات انگلیسی بر تحدید دفاعیاتی که ممکن است نسبت به یک دعوی مبتنی بر حکم خارجی ابراز شود این

^۱ - مافی، همایون، شرحی بر قانون داورى تجارى بين المللى، تهران، دانشگاه علوم قضایى و خدمات ادارى، چاپ اول، ۱۳۹۵، ص ۹۶.

^۲ - بریشتاین ریستائو، ادوارد، اجرای احکام خارجی به وسیله دادگاههای ایالتی و فدرال آمریکا ترجمه محمد جواد میر فخرایی، مجله حقوقی شماره ۲، ص ۶۳.



نتیجه را دربر دارد که احکام خارجی مطابق سیستم حقوقی کامن لا در مقایسه با سایر کشورها خیلی آسانتر قابل اجرا هستند اگر دادخواست دعوی مبتنی بر حکم خارجی به خواننده ابلاغ شود و او دادگاه را از قصد خود در مورد دفاع نسبت به دعوی مطروحه مطلع نماید خواهان میتواند از دادگاه، صدور حکم فوری به دلیل اینکه خواننده هیچ دفاعی نسبت به دعوی ندارد را درخواست نماید و در صورتی که خواننده نتواند دادگاه را متقاعد کند که مسأله ای از قبیل تحصیل متقلبانه حکم وجود دارد که باید به آن رسیدگی شود دادگاه می تواند به نفع خواهان حکم صادر نماید و اگر خواننده در دادرسی شرکت نکند، خواهان می تواند فوراً حکمی به نفع خود تحصیل نماید با توجه به اینکه حکم خارجی به عنوان سبب دعوی مورد استناد قرار میگیرد مطابق قاعده ۱۴ قواعد آئین دادرسی دادگاهها باید توسط خواهان اثبات شود و از این رو باید طبق قواعد مربوط به استاد نوشته تصدیق گردد و فقط از این حیث حکم مزبور در طبقه بندی اسناد قرار میگیرد. در حقوق ایران احکام خارجی پس از صدور دستور امر به اجرا همان آثار حکم داخلی را دارا می شوند و در واقع در سیستم حقوقی ایران گنجانده شده و مانند احکام داخلی به مرحله اجرا در می آیند و برخلاف سیستم کامن لا، طرح دعوی مستقل بر مبنای حکم خارجی ضرورت نداشته و حکم جدیدی در خصوص موضوع صادر نمیشود بلکه دادگاه ایرانی با لحاظ شرایط مقرر در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی با دستور اجرا صادر میکند و یا اینکه درخواست شناسایی و اجرای حکم خارجی در ایران را مورد پذیرش قرار نداده و رد می نماید^۱.

بند دوم: اعتبار امر مختومه احکام خارجی

مطابق سیستم حقوقی کامن لا حکم خارجی واجد شرایط شناسایی دارای اعتبار امر مختوم در مورد طرح مجدد دعوی در انگلیس است ممکن است یک حکم خارجی در دعاوی مطروحه با هر مقصودی غیر از هدف اجرای خود آن حکم مورد استناد قرار گیرد. اگر خواهان که دعوی در خارج از انگلیس اقامه کرده و ناکام مانده است بخواهد دعوی مشابه ای در

^۱ - پی پر لالیو، مقاله اجرای آرای داوری بین المللی، ترجمه سوسن خطاطان، مجله حقوقی، شماره ۱۶، ص ۸۷.



انگلیس مطرح نماید، حکم خارجی واجد شرایط شناسایی ارائه شده از سوی خواننده نتیجه اعتبار امر قضاوت شده را داده و منجر به استایل دعوی یعنی مانع طرح مجدد دعوی می گردد. مطابق قواعد کامن لا، حکم خارجی که نهایی و قطعی و در ماهیت صادر شده و به نفع خواننده است یک دفاع خوب نسبت به دعوی مطروحه در انگلیس برای همان موضوع محسوب می شود البته هیچ مانعی برای طرح دعوایی با خواسته متفاوت وجود ندارد. یک حکم خارجی صادره به نفع خواهان مانعی جهت طرح دعوی دیگری بر اساس سبب اصلی دعوی در انگلیس نیست. به عبارت دیگر حکم خارجی در برابر صدور حکم مجدد به عنوان مانع (استایل) عمل میکند ولی نسبت به سبب اصلی دعوی اصل استایل اعمال نمی گردد. در پرونده و کارل زیس استیفتانگ علیه شرکت راینر و کیلره اکثریت مجلس لردها؛ این موضوع که یک حکم خارجی میتواند موجب مختومه شدن قضیه شده و مانع انکار موضوعات ماهوی رسیدگی شده توسط قاضی دادگاه خارجی شود را مورد تأکید قرار دادند. در این مورد احراز سه شرط ضروری است اولاً حکم خارجی باید از سوی یک دادگاه صالح و در ماهیت دعوی صادر شده و قطعی و نهایی باشد؛ ثانیاً طرفین دعوی انگلیسی باید همان طرفین دعوی خارجی با قائم مقام آنها باشند؛ ثالثاً موضوع در هر دو دعوی یکسان باشد.^۱ البته لرد ریده به دلیل عدم آشنایی دادگاههای انگلیسی با آئین دادرسی خیلی از کشورهای خارجی معتقد بود که قبل از قائل شدن اعتبار امر قضاوت شده برای حکم خارجی باید احتیاط و توجه بیشتری بعمل آید تا مشخص شود که حکم دادگاه راجع به موضوع اصلی دعوی و نه راجع به موضوعات فرعی صادر شده است و نیز معتقد بود که محروم کردن خواهان از طرح دعوایش در انگلیس به دلیل ناکامی در پیشبرد دعوای مطروحه اش در دادگاه خارجی ناعادلانه است همانگونه که در چند سطر پیش بیان شد یک حکم خارجی صادر شده به نفع خواهان مانعی جهت طرح

^۱ - Red fern & M.Hunter, Law and practice of international commercial Arbitration, London, Sweet & Maxwell, ۱۹۹۱. p۱۵۳.



دعوی بعدی بر اساس سبب اصلی دعوی در انگلیس تلقی نمی‌شود.^۱ به عبارت دیگر حکم خارجی در برابر صدور حکم مجدد به عنوان مانع (استاپل) عمل میکند ولی نسبت به سبب اصلی دعوی اصل استایل جاری نیست اما در حقوق داخلی انگلیس چنانچه راجع به دعوی، حکمی صادر شود خواهان مجدداً نمی‌تواند بر اساس همان سبب دعوی دیگری علیه خوانده اقامه نماید. تمایز بین حکم داخلی و حکم خارجی در این مورد از سوی گرد ویلبر فورس به عنوان یک بقاء غیر منطقی یاد شده است. قاعده مذکور به موجب ماده ۳۴ از قانون صلاحیت و احکام مدنی ۱۹۸۲ که مقرر می‌دارد: «هیچ دعوی نمیتواند توسط احد از طرفین بر اساس همان سبب دعوی که راجع به آن حکمی به نفع وی بین همان اشخاص با قائم مقام آنان در دادگاههای پادشاهی متحده با کشورهای ماوراء بحار صادر شده باشد در انگلیس مطرح شود مگر اینکه حکم قابل اجرا نبوده و یا مستحق شناسایی در انگلیس نباشد نقض گردیده است و به موجب قانون مذکور اگر حکم در انگلیس قابل شناسایی و اجرا باشد خواهان نمیتواند بر اساس سبب اصلی دعوی دعوی جدیدی اقامه کند و فقط باید بر اساس حکمی که تحصیل کرده است، طرح دعوی نماید. در حقوق ایران بعد از صدور امر به اجرا توسط دادگاه ایرانی حکم خارجی واجد اعتبار امر قضاوت شده گردیده و تمایزی بین حکم داخلی و حکم خارجی پس از صدور امر به اجرا وجود ندارد و قبل از آن حکم خارجی فاقد این اثر می‌باشد.^۲

بند سوم: منع محاکمه مجدد

اگر شناسایی و اجرای حکم خارجی که در ماهیت موضوع صادر شده و آن را بطور قاطع حل و فصل نموده است از دادگاههای انگلیس درخواست شود حکم خارجی مورد رسیدگی مجدد

^۱ - کسجیان، کاترین، «نظم عمومی در حقوق اروپا»، مترجم فیض‌الله جعفری، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۸، تهران ۱۳۸۷، ص ۶۹.

^۲ - Bishop and Reed, "Practical Guidelines for Interviewing, Selecting and Challenging Party-Appointed Arbitrators in International Commercial Arbitration", ۱۴ Arbitration International ۳۹۵, ۱۹۹۸. p1۴۲.



ماهوی قرار نخواهد گرفت و نسبت به هر موضوعی که در آن قضاوت شده قطعی است و اشتباه موضوعی یا حکمی دادگاه صادر کننده نمی تواند منجر به رسیدگی مجدد توسط دادگاههای انگلیسی شود در طی قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی این موضوع که آیا حکم خارجی صادره از دادگاه صلاحیتدار خارجی به هنگام درخواست شناسایی و اجرای آن در انگلیس قابل رسیدگی ماهوی مجدد می باشد، بسیار بحث انگیز بود. در سال ۱۸۳۴ دلرد بروغام در مجلس لردها گفت: «حکم خارجی فقط دلیل ظاهری یک دین است نه دلیل قطعی آن بعدها در سال ۱۸۶۳ در پرونده «پیچ ور علیه سی.» (

دادگاه از شناسایی حکم صادره از دادگاه لوئیزیانا به دلیل آنکه ظاهر امر نشان می داد که امتناعی خودسرانه و عمدی از شناسایی قانون انگلیس وجود داشته است خودداری کرد. اما در این ضمن در تعدادی از دعاوی تصمیم گیری شده بود که حکم خارجی مشروط بر اینکه دادگاه صادر کننده مطابق قواعد انگلیسی تعارض قوانین صالح باشد نمی تواند در ماهیت موضوع مجددا مورد بررسی قرار گیرد. بالاخره در پرونده گذارد علیه گری عدم امکان بررسی ماهوی مجدد حکم خارجی حتی در صورتیکه بر حسب ظاهر دادگاه خارجی دچار اشتباه آشکاری از قانون انگلیس شده باشد مورد حکم قرار گرفت. از آن زمان مفاد این تصمیم که به عنوان قاعده چهل و یکم در قواعد آئین دادرسی کامن لا آمده است مورد خدشه قرار نگرفته و با اصول خواست عمومی این است که پایانی برای دعوی باید وجود داشته باشد و هیچکس نباید دوبار درباره یک موضوع شکایت کند مطابقت دارد. در پرونده مذکور خواهان اجرای یک حکم دادگاه فرانسوی را در انگلیس درخواست کرده بود.^۱ خواهان فرانسوی و خوانده انگلیسی طرفین یک قرارداد اجاره کشتی بودند که در مورد خسارت عدم اجرای قرارداد توافق کرده بودند که این خسارت به میزان اجاره بهای کشتی برآورد شود و دادگاه فرانسه را جهت حل اختلافات فیما بین طرفین به عنوان دادگاه صلاحیتدار تعیین کرده بودند. به نظر دادگاه فرانسوی میزان خسارت ناشی از عدم انجام

^۱ - مدنیان، غلامرضا و دیگران، «امکان یا امتناع تبیین نظم عمومی در حقوق (مطالعه در حقوق کشورهای ایران، انگلیس و فرانسه)»، فصلنامه پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، شماره ۳، دانشگاه تربیت مدرس، تهران ۱۳۹۰، ص ۶۹.



قرارداد همان میزانی است که طرفین در قرارداد معین کرده اند. با توجه به اینکه قانون ماهوی حاکم بر قرارداد قانون انگلیس بوده و در آن قانون چنین شرطی به عنوان تحدید خسارت بطور کلی و در همه جوانب قلمداد نمیگردد بنابراین طرف قرارداد می توانست خسارت واقعی خود را در صورتی که مازاد بر میزان تعیین شده در قرارداد باشد و عدالت و انصاف نیز اقتضای جبران آن خسارت را داشته باشد مطالبه نماید. دادگاه انگلیسی با این مسأله روبرو بود که دادگاه فرانسوی از قانون انگلیس تفسیر صحیحی نداشته و چنین تفسیری نیز در حکم دادگاه راجع به میزان خسارت موثر واقع شده است و نهایتاً دادگاه این اشتباه را از موانع اجرای حکم و مجوزی برای رسیدگی ماهوی مجدد ندانست. در حقوق ایران همانگونه که بیان شد سیستم کنترل محدود حکم خارجی اعمال می شود و مطابق قانون اجرای احکام مدنی امکان رسیدگی ماهوی در مورد حکم خارجی به هنگام درخواست شناسایی و اجرای آن در ایران وجود ندارد و قاضی ایرانی یا درخواست شناسایی و اجرای حکم خارجی را می پذیرد و یا آن را رد مینماید و حکم جدیدی صادر نمی کند.^۱

نتیجه گیری

موضوع اجرای احکام خارجی یکی از مهم ترین مباحث حقوق بین الملل خصوصی است که نقش اساسی در تسهیل تعاملات حقوقی فرامرزی و تضمین اجرای عدالت ایفا می کند. با توجه به گسترش روابط اقتصادی، تجاری و اجتماعی میان کشورها، ضرورت وجود ضوابط روشن و کارآمد برای شناسایی و اجرای احکام دادگاه های خارجی بیش از پیش احساس می شود. بررسی تطبیقی نظام های حقوقی ایران و انگلستان در این زمینه، فرصت مناسبی برای شناخت نقاط قوت و ضعف هر یک فراهم می آورد و می تواند به بهبود قوانین داخلی و همسویی با معیارهای بین المللی کمک کند. این پژوهش با هدف تحلیل مبانی، ضوابط و موانع اجرای احکام خارجی، به ویژه ابطال آنها، تلاش کرده است تا تصویری جامع و علمی از وضعیت

^۱ - مکرمی، علیمحمد، «شناسایی و اجرای آراء داوریهای خارجی در حقوق ایران»، فصلنامه دیدگاههای حقوقی قضایی، شماره ۴، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران ۱۳۷۵، ص ۴۶.



موجود ارائه دهد و در نهایت راهکارهایی عملی و کاربردی جهت ارتقای نظام حقوقی ایران در این حوزه پیشنهاد نماید. نتایج این تحقیق می‌تواند در روند تقویت همکاری‌های قضایی بین‌المللی و تضمین امنیت حقوقی طرفین دعوی مؤثر واقع شود. مطالعه تطبیقی دو نظام حقوقی ایران و انگلستان در زمینه مبانی، پیشینه تاریخی، سیستم‌های مختلف کنترل آراء خارجی، شرایط و موارد ابطال و اجرای آرای مدنی صادره از دادگاه‌های این دو کشور، نشان‌دهنده اهمیت ویژه شناسایی و اجرای آراء خارجی در حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی است. امروزه، شناسایی برخی از آراء صادره از دادگاه‌های خارجی، به‌ویژه در خصوص وضعیت و اهلیت اشخاص، به یکی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی بین‌المللی تبدیل شده است؛ بنابراین اکثر کشورها با درک این نیاز، تلاش کرده‌اند از طریق تصویب قوانین، مقررات یا تثبیت رویه قضایی، زمینه شناسایی و اجرای این آراء را فراهم سازند. البته این بدان معنا نیست که کشورها موظف به شناسایی و اجرای بدون قید و شرط همه آراء خارجی باشند، بلکه هدف، فراهم آوردن امکان اجرای آرای مدنی خارجی با رعایت شرایط معین است تا ضمن حفظ اعتبار حقوق مکتسبه، زمینه توسعه حقوق بین‌الملل خصوصی نیز فراهم شود.

در ایران، مقررات مربوط به شناسایی و اجرای آراء خارجی عمدتاً در ماده ۹۷۲ قانون مدنی و فصل نهم قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ آمده است که در صورت رفع ابهامات توسط رویه قضایی و ایجاد وحدت رویه از سوی هیئت عمومی دیوان عالی کشور، می‌تواند پاسخگوی نیازهای زندگی بین‌المللی باشد. البته در زمینه اهلیت و وضعیت اشخاص، مقنن ایران قواعد خاصی وضع نکرده که با توجه به اهمیت موضوع، ضرورت وضع چنین قواعدی احساس می‌شود. در حال حاضر، این نوع آراء تابع مقررات کلی حاکم بر سایر آراء مدنی و تجاری هستند. مطالعه نشان داد که در ایران، احکام صادره از محاکم خارجی در قالب قرارهای موقت مانند دستور موقت و تأمین خواسته، به دلیل فقدان نص قانونی و عدم اطلاق اعتبار امر قضاوت شده، قابل شناسایی و اجرا نیستند مگر در چارچوب عهدنامه‌های دو یا چندجانبه. در حقوق انگلستان نیز این نوع تصمیمات بر اساس قواعد کامن لا قابل شناسایی



نیستند، ولی کنوانسیون‌هایی مانند لوگانو و بروکسل اجرای آن‌ها را مجاز دانسته‌اند. قانونگذار ایرانی با پذیرش اصل انعطاف‌پذیری در مقابل آراء خارجی، شرایط نسبتاً آسانی برای شناسایی و اجرای آن‌ها فراهم کرده است، به‌طوری‌که متقاضی می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی و ارائه درخواست کتبی به مرجع قضایی صالح، درخواست خود را پیگیری کند. در مقابل، در حقوق انگلستان بر اساس قواعد کامن لا، خواهان می‌تواند دعوایی جدید بر مبنای موضوع حکم خارجی مطرح کند یا حکم خارجی را به عنوان دلیل مستقلی ارائه دهد؛ هرچند قوانین موضوعه خاصی نیز تحت شرایطی اجرای آن‌ها را تسهیل کرده‌اند. اگر حکم خارجی واجد شرایط شناسایی و اجرا باشد و دستور اجرای آن از دادگاه ایرانی صادر شود، از آن تاریخ حکم در حقوق ایران اعتبار امر قضاوت شده پیدا می‌کند و امکان طرح مجدد دعوی با همان موضوع وجود ندارد. در کامن لا نیز، هرچند سبب دعوی در حکم خارجی از بین نمی‌رود، ولی در صورت تحقق شرایط اجرای حکم، امکان طرح مجدد مشابه وجود ندارد.

۱. پیشنهاد می‌شود برای تسهیل اجرای آراء خارجی میان ایران و انگلستان، موافقتنامه‌های همکاری قضایی تدوین و به امضای دو کشور برسد. این موضوع شایسته آن است که در قالب مقالات علمی و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد توسط اساتید و صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل خصوصی به صورت مستقل و عمیق مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۲. بر اساس مطالعات تطبیقی و بررسی شرایط و موارد ابطال اجرای احکام خارجی، نگارنده تدوین یک کنوانسیون جهانی در زمینه اجرای آراء صادره از دادگاه‌های خارجی را به عنوان پیشنهاد مهمی مطرح می‌کند که می‌تواند زمینه‌ساز وحدت رویه و تسهیل اجرای آراء در سطح بین‌المللی باشد.

۳. همچنین پیشنهاد می‌شود تا پیش از تحقق اجماع جهانی در این زمینه، ایران تلاش کند با رایزنی و گفتگوهای گسترده، موافقتنامه‌های همکاری قضایی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با



کشورهای عضو سازمان اکو، سازمان همکاری اسلامی، جنبش عدم تعهد و دیگر نهادهای منطقه‌ای تنظیم و به امضا برساند. این اقدام با اعطای اعتبار متقابل به احکام قضایی کشورهای هم‌پیمان، می‌تواند بسترساز توسعه سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تسهیل مبادلات بین‌المللی باشد و به ویژه در کاهش آثار تحریم‌های جهانی موجود موثر واقع گردد.



منابع و مآخذ

الف: منابع فارسی

- ۱- احمدی، نعمت، آیین دادرسی مدنی، تهران، اطلس، چاپ سوم، ۱۳۹۵.
- ۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ بیست و سوم، ۱۳۹۲.
- ۳- سریر، فرزانه، نکات طبقه بندی شده ی موضوعی آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۶.
- ۴- نوری طبرسی، محقق میرزا حسین، مستدرک وسائل الشیعه، قم، انتشارات مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۳۸۰.
- ۵- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران، انتشارات نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
- ۶- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ نهم، ۱۳۹۲.
- ۷- صدر زاده افشار، سید محسن، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی دادگاه های عمومی و انقلاب، تهران، موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، چاپ پنجم، ۱۳۹۶.
- ۸- جنیدی، لعیا، اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش چاپ چهارم، ۱۳۹۳.
- ۹- رویه قضایی ایران در ارتباط با اجرای احکام مدنی، معاونت آموزش قوه قضاییه، تهران، انتشارات جنگل، چاپ نهم، ۱۳۸۸.
- ۱۰- مدنی، سید جلال الدین اجرای احکام مدنی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.



- ۱۱- شهری، غلامرضا، حقوق ثبت اسناد و املاک، چاپ هشتم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی، ۱۳۸۷.
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعاوی مدنی، ناشر کانون وکلای دادگستری مرکز، چاپ پنجم، ۱۳۹۸.
- ۱۳- گلدوزیان، ایرج، ادله اثبات دعوی، تهران، انتشارات نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۳.
- ۱۴- کاتوزیان. ناصر، قواعد عمومی قراردادها، تهران، نشر مجد، ج ۱، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
- ۱۵- نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول و دوم، چاپ ششم، تهران، کتابخانه ملی ایران سال ۱۳۸۹.
- ۱۶- الماسی، نجادعلی، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۶.
- ۱۷- ادوارد بریشتاین ریستائو: مقاله اجرای احکام خارجی به وسیله دادگاه های ایالتی و فدرال آمریکا، ترجمه محمد جواد میر فخرایی، مجله حقوق، شماره ۲، ۱۳۷۶.
- ۱۸- نصیری، مرتضی، حقوق چند ملیتی، تهران، نشر دانش امروز، چاپ سوم، سال ۱۳۹۴.
- ۱۹- ارفع نیا، بهشید، حقوق بین الملل خصوصی، جلد دوم، انتشارات عقیق، چاپ سوم، ۱۳۹۲.
- ۲۰- رئیسی، مریم، ساعدی، بهزاد، استقلال شرط داوری در قراردادهای تجاری بین المللی، تحقیقات حقوقی آزاد، سال ششم، شماره ۱۹، ۱۳۹۲.
- ۲۱- بنی‌هاشمی، پگاه، موانع شناسایی و اجرای آرای خارجی و بین‌المللی در ایران، کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹.
- ۲۲- ابدالی، مهرزاد، «مطالعه تطبیقی مفاهیم نظم عمومی و اخلاق حسنه در حقوق فرانسه، انگلیس و ایران»، پژوهشنامه علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، سال سوم، شماره ۲، ۱۳۸۵.
- ۲۳- پورتوری، منصور، مقاله شناسایی و اجرای احکام دادگاه های خارجی در ایران، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، چاپ الوان، شماره ۱۷ و ۱۸، ۱۳۷۸.
- ۲۴- جنیدی، لعیا، «کنوانسیون نیویورک و رژیم اجرایی آن»، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۲، شماره ۱، بهار و تابستان، ۱۳۹۰.



- ۲۵- مدنی، سید جلال الدین حقوق بین الملل خصوصی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
- ۲۶- نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، تهران، کتابخانه ملی ایران، چاپ ششم، ۱۳۹۶.
- ۲۷- نیکبخت، حمیدرضا، داوری تجاری بین‌المللی (آئین داوری)، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول ۱۳۸۸.
- ۲۸- نصیری، محمد، اجرای آرای داوری خارجی، رساله حقوق خصوصی، کتابخانه ملی ایران، سال ۱۳۹۶.
- ۲۹- مافی، همایون، شرحی بر قانون داوری تجاری بین‌المللی، تهران، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- ۳۰- بریشتاین ریستائو، ادوارد، اجرای احکام خارجی به وسیله دادگاه‌های ایالتی و فدرال آمریکا ترجمه محمد جواد میر فخرایی، مجله حقوقی شماره ۲، ۱۳۷۸.
- ۳۱- پی پر لالیو، مقاله اجرای آرای داوری بین‌المللی، ترجمه سوسن خطاطان، مجله حقوقی، شماره ۱۶، ۱۳۹۰.
- ۳۲- کسجیان، کاترین، «نظم عمومی در حقوق اروپا»، مترجم فیض‌الله جعفری، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۸، تهران ۱۳۸۷.
- ۳۳- مدنیان، غلام‌رضا و دیگران، «امکان یا امتناع تبیین نظم عمومی در حقوق (مطالعه در حقوق کشورهای ایران، انگلیس و فرانسه)»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، شماره ۳، دانشگاه تربیت مدرس، تهران ۱۳۹۰.
- ۳۴- مکرمی، علیمحمد، «شناسایی و اجرای آراء داوری‌های خارجی در حقوق ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی، شماره ۱۶، ۱۳۸۷.

ب: منابع لاتین

۳۵- Bishop and Reed, "Practical Guidelines for Interviewing, Selecting and Challenging Party-Appointed Arbitrators in International Commercial Arbitration", ۱۴ *Arbitration International* ۳۹۵, ۱۹۹۸.

۳۶- Red fern & M.Hunter, *Law and practice of international commercial Arbitration*, London, Sweet & Maxwell, ۱۹۹۱.

۳۷- Lord Escher ۲- Grandv. Easton ۱۸۸۳ B.Q.B.P. ۳۰۲, ۳۰۳ ۳- Adams v. Cape industrial o.k. (۱۹۴۰) chi. ۴۳۳ (C.A) ۴- In persona ۵- J.G. Collier. *Conflict of Laws* third Edition, Cambridge University, press ۲

۳۸- Cheshire & North's, *Private international law. Eleventh Edition*, Butter worth ۱۹۸۷.